



اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن»

مقدمه

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، یکی از روش‌های شدت بخشیدن به کیفر در قالب تلقی رفتارهای مجرمانه به عناوینی چون محاربه و افساد فی الارض صورت می‌گیرد؛ به‌ویژه اگر آن رفتار بر امنیت عمومی جامعه اثر بگذارد. با این حال، استفاده از این عناوین در لوای قوانین متعدد از جمله قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور و... از سوی بسیاری از حقوق‌دانان و فقیهان مورد مناقشه قرار گرفته است و در مجلس نیز نمایندگان محترم بارها تلاش کرده‌اند تا به موارد مشخص و مربوط اختصاص یابد. همانگونه که «قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر» را که با این رویکرد از تصویب مجلس گذشت، به عنوان نقطه عطفی در کارنامه این مجلس تلقی کرده‌اند.

ارزیابی مصوبه کمیسیون

الف) تبصره الحاقی به ماده (۱) طرح

به طور معمول آثار و پیامدهای رفتار در جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص در مقایسه با سایر جرائم، جلوه بارزتری می‌یابد و بازتاب رسانه‌ای بیشتری نیز پیدا می‌کند و در مواردی هم همین بازتاب رسانه‌ای بلای جان پرونده‌های این‌چنینی می‌شود. این امر، ناخودآگاه بر ذهنیت جامعه و امنیت روانی آن تأثیر سوء بر جای می‌گذارد و قانونگذاران را بر آن می‌دارد تا با شدت بخشیدن به کیفر درصدد حمایت از بزه‌دیدگان خاص و رفع التهاب جامعه برآیند. تبصره الحاقی به ماده (۱) «طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» نیز با تأسی از همین دیدگاه مطرح شده و از این طریق برآن است تا به زعم خود، گامی در راستای ترمیم امنیت روانی مخدوش شده، بردارد.

این پیشنهاد می‌تواند دو موضوع را مدنظر داشته باشد. نخست، فردی که مرتکب چنین جرائمی می‌شود، باید کشته شود و جامعه زنده ماندن چنین افرادی را برنمی‌تابد و چون در مواردی امکان اجرای قصاص در ارتباط با این مرتکبان وجود ندارد، تلقی آن به عنوان یک جرم حدی می‌تواند فراتر از موانع موجود، نظام حقوقی را به مقصود خود، یعنی اعدام فرد برساند. در توجیه این امر بسیاری از طرفداران این دیدگاه به کم بودن کیفر تعزیری اشاره داشتند که نمی‌توانست اثر بازدارنده‌ای بر این رفتارها داشته باشد. از این رو، یکی از دلایل افزایش کیفرهای حسب در ماده (۲) طرح مذکور که در جلسات پیشین صحن علنی مجلس شورای اسلامی نیز تصویب شده است،

مخصوص صحن علنی

مشخصات طرح

دوره دهم - سال چهارم

شماره ثبت:

۳۷۹

شماره چاپ:

۱۳۷۶

تاریخ چاپ:

۱۳۹۸/۳/۱۱

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفتر مطالعات حقوقی

سایر دفاتر:

مطالعات اجتماعی

مطالعات فرهنگی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۵۹۷۲-۲

تاریخ انتشار:

۱۳۹۸/۳/۱۸

از همین باب بود تا جایی که برای برخی از صور این جرم، حبس درجه یک (بیست و پنج سال به بالا) پیشنهاد شده است. به این ترتیب، از این جهت نگرانی وجود ندارد تا به الحاق تبصره پیشنهادی به ماده (۱) طرح نیازی باشد.

جهت دوم این است که از منظر دیگر این رفتارها چون موجب ناامنی در جامعه می‌شود، باید در قالب افساد فی الارض قرار گیرد. در خصوص این جهت نیز چند نکته پراهمیت وجود دارد. در حال حاضر، به موجب ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی^۱، ذیل کتاب حدود، افساد فی الارض به طور عام پیش‌بینی شده است. به موجب آن ماده، چنانچه جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد (که اسیدپاشی هم از این دست جرائم است)، به طور گسترده ارتکاب یابد، اگر موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد شود، افساد فی الارض محقق و مرتکب به اعدام محکوم خواهد شد. بنابراین، مفاد مورد نظر پیشنهاددهندگان این تبصره، پیش از این نیز جرم‌انگاری شده و شدیدترین کیفر (اعدام) نیز برای آن در نظر گرفته شده است و خلأ یا نقصی از این منظر به چشم نمی‌خورد. با این تفاوت که در ماده (۲۸۶) هم‌سو با آورده‌های فقهی، تلاش شده تا مواردی را به عنوان افساد فی الارض شناسایی کنند که رفتارهای ارتكابی یا نتایج حاصل از آنها از وسعت خاصی برخوردار باشد و قانون ذیل آن ماده کوشیده است تا به درستی از توسیع بیش از حد این عنوان حدی خودداری ورزد. حتی عنوان افساد فی الارض نیز مؤید این نکته است که ارتکاب این رفتار نیازمند نوعی شمول و گستردگی است. همانگونه که در «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» نیز در خصوص رعایت شرایطی برای افساد فی الارض تلقی کردن رفتارهای موضوع آن قانون، از همین رویکرد تبعیت شد. اما، اکنون با عدول از رویکرد پیشین، مشخص نیست که بر اساس چه قاعده و مبنای فقهی توسیع این عنوان حدی مورد نظر است به نحوی که موجب افزایش کیفر اعدام می‌شود. از این جهت، این ملاحظه فقهی نیز بر این پیشنهاد وارد است. اعدام از کیفرهایی است که می‌بایست به نصوص و مسلمات در خصوص آن اکتفا شود. به ویژه آنکه در آیات و روایات نیز اصل بر نکشتن است و با گزاره‌های منفی به آن ارشاد می‌کنند.^۲ در کنار این دو منبع اصیل، قواعد فقهی مانند احتیاط در دماء نیز مقتضی احتیاط حداکثری در سلب حیات افراد است. از این رو، این رویکرد باید در مقام کیفرگذاری و کیفردهی و اجرای آن مطمحنظر قرار گیرد.

نکته شایان توجه دیگر، اثری است که بر تغییر عنوان جرم موجب قصاص به جرم حدی بار می‌شود و آن، تضییع حقوق اولیای دم است؛ چراکه، ولی دم بر مرتکب سلطنت می‌یابد و می‌تواند در خصوص قصاص یا گذشت از آن، تصمیم‌گیری کند. تغییر عنوان پیش‌گفته، ولایت را از ولی گرفته و به جامعه منتقل می‌کند. نتیجه آن خواهد شد که باب مصالحه نیز بسته می‌شود. بدین ترتیب، ولی دم نمی‌تواند با توجه به مصلحت خود به گزینش یکی از راه‌های پیش رو دست زند و هیچ‌گونه ارفاقی نیز در خصوص چنین فردی پذیرفته نمی‌شود و اعدام راه منحصر می‌باشد. این اقدام می‌تواند یکی از مهم‌ترین سازوکارهای رفع خصومت در این پرونده‌ها را با بن‌بست مواجه کند. در حال حاضر، یکی از مزایای مقررات مربوط به قصاص در جامعه، افزایش انسجام اجتماعی و پایداری سرمایه اجتماعی است؛ زیرا افراد و جامعه به‌طور کلی به تلاطم می‌افتند که بین طرفین صلح و سازش ایجاد کنند و این اقدامات گام مهمی در جهت رفع خصومت و بازیابی انسجام اجتماعی است که با انسداد باب مصالحه این مزیت نیز از بین می‌رود.

۱. ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی: «هرکس به‌طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاص در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به‌گونه‌ای که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.
تبصره - هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلاص گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود».

۲. آیات ۱۵۱ سوره مبارکه الانعام و ۲۳ سوره مبارکه الاسراء.

ب) تبصره الحاقی به ماده (۵) طرح

به نظر می‌رسد پیشنهاد الحاق تبصره به ماده (۵) طرح نیز به دلیل رفع ایراد مربوط به اصل هفتادوپنجم قانون اساسی مطرح شده باشد که باید گفت اگر درآمدهای صندوق در سال جاری، کفایت این هزینه‌ها را نکند، با افزودن این تبصره این ایراد مرتفع نمی‌شود و امکان دارد همچنان با این ایراد از سوی شورای نگهبان مواجه شود؛ زیرا، شورای نگهبان این ایراد را معمولاً نسبت به بودجه سال پیش رو مطرح می‌کند و عدم کفایت درآمدهای صندوق در این سال موجب طرح آن خواهد شد.

نکته قابل طرح دیگر در خصوص ماده (۵) این است که منابع درآمدهای صندوق به موجب ماده (۲۴) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰، متعدد است و تنها دو مورد از آنها یعنی موارد مندرج در بندهای «ث»^۱ و «ج»^۲ از محل بودجه عمومی تأمین می‌شود. از این رو، اطلاق این ماده و تبصره الحاقی با توجه به منابع درآمد متعدد صندوق که اغلب آنها از منابع غیر عمومی تأمین می‌شود، موجب می‌گردد که در مواردی این هزینه بر کسانی تحمیل شود که ارتباطی با جرم واقع شده ندارند و از این جهت دارای ایراد است که راهکار آن در قسمت بعدی بیان می‌گردد.

جمع‌بندی و پیشنهاد

نیازسنجی واقعی و مسئله‌شناسی در این زمینه، به ویژه با توجه به تشدید کیفر تعزیری جرم اسیدپاشی به موجب این طرح که تاکنون نیز به تصویب صحن علنی رسیده است و نیز پیش‌بینی کیفر اعدام در ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی از باب افساد فی الارض که برخی از مصادیق مورد نظر را شامل می‌گردد، حاکی از کفایت قوانین و مقررات موجود در این حوزه است. نگاهی به رویکرد نظام قضایی نیز نشان می‌دهد که معمولاً در قبال این‌گونه جرائم تسامح به خرج نمی‌دهند.

مهم‌تر از نکات مذکور اینکه، گسترش کیفر اعدام و تسری عنوان افساد فی الارض، خلاف رویه قانونگذار در خصوص این کیفر است؛ زیرا قانونگذار، اندکی پیش‌تر با رد عنوان افساد فی الارض در مورد برخی از رفتارهای مجرمانه در «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» از موارد اعمال این کیفر کاسته است اما با پیشنهاد موضوع این تبصره، خلاف رویکرد پیشین گام برداشته که بیانگر رویکرد نامنسجم نسبت به این موضوع است و با آخرین رویکرد مقتن نسبت به کیفر اعدام منافات دارد.

به این ترتیب، تبصره پیشنهادی به ماده (۱) طرح، بدون آنکه نقص یا خلأ قانونی را برطرف کند، در مواردی حتی با گذر از چارچوب‌های فقهی، منجر به تورم قوانین کیفری می‌شود و می‌تواند ایجادکننده چالش‌های نوینی نیز باشد. بدین ترتیب، حذف این تبصره پیشنهاد می‌شود.

در خصوص تبصره الحاقی به ماده (۵) طرح نیز با توجه به اینکه محل درآمدهای صندوق متعدد است، بر این اساس ضروری است تأمین این هزینه‌ها، محدود به محل درآمدهای بندهای «ث» و «ج» ماده (۲۴) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ شود. همچنین، با عنایت به اینکه اگر درآمدهای صندوق به منظور تأمین هزینه‌های مندرج در ماده (۵) طرح در سال جاری کفایت نکند، حتی با افزودن این تبصره نیز نمی‌توان ایراد اصل هفتادوپنجم را رفع کرد، لازم است که اجرای این ماده موکول به سال سنواتی بعد یعنی سال ۱۳۹۹ گردد. بدین ترتیب، با رعایت آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، اصلاح تبصره پیشنهادی الحاقی به ماده (۵) طرح به شرح زیر ضروری است:

«تبصره - هزینه‌های موضوع این ماده و تبصره «۱» آن از محل بندهای «ث» و «ج» ماده (۲۴) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ تأمین می‌شود. این ماده از سال ۱۳۹۹ لازم‌الاجراست.»

۱. ث) بیست درصد (۲۰٪) از جریمه‌های وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور.
۲. ج) بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه و تعزیرات حکومتی.